



دکتر سید جعفر حمیدی

«بحر فارس»  
در «صورة بلاد سند»  
از کتاب المسالك و  
الممالك استخری (قبل از  
۳۱۸-۳۲۶ هـ ق)

# خلیج فارس در متون ادبیات فارسی

آن زمان خلیج فارس راه ارتباطی به اقیانوس هند نداشت. البته زمین‌شناسان مطرح می‌کنند بر اثر زمین‌لرزه‌ای که در حدود سی میلیون سال پیش پیدا شد، تنگه هرمز پدید آمد و خلیج فارس نیز به اقیانوس متصل گردید. البته باید گفت که نظرات زمین‌شناسان همگی فرضیه است و ممکن است تاریخ‌هایی که به آن‌ها اشاره می‌کنیم حتی یک میلیون سال این طرف و آن طرف باشد ولی خلیج فرق نمی‌کند، این برای ما انسان‌ها که عمری حداکثر هفتاد یا هشتاد سال داریم اهمیت پیدا می‌کند.

همه می‌دانیم که خلیج فارس همیشه جاوید است. لازم است در ابتدای بحث، مختصری از تاریخ پیدایی خلیج فارس را به اطلاع برسانیم.

طبق فرضیه دانشمندان، تاریخ پیدایی خلیج فارس به حدود ۳۵ میلیون سال پیش می‌رسد. به دنبال تغییرات ۳۵ میلیون سال پیش یعنی در اواسط دوره سوم کره زمین، خلیج فارس ابتدا به سوی شرق و سپس به سوی شمال گسترش یافت. به دنبال تحولات در کره زمین و پیشرفتگی‌ها خلیج فارس در ۳۵ سال پیش پیدا شد اما در

خلیج فارس در حدود سی میلیون سال پیش خیلی بزرگ‌تر از خلیج فارس امروزی بود. و بعدها بر اثر رسوبات کوچک‌تر شد و این در حالی است که قبلاً تا شیراز و حتی نزدیکی‌های کوه‌های زاگرس همه زیر آب بود و پس از آن خشکی‌زایی آغاز شد. در واقع از ده‌هزار سال پیش به این طرف خشکی‌زایی در خلیج فارس ادامه پیدا کرد و تقریباً هر سه هزار سال حدود ۲۵۰ کیلومتر از دریا کاسته و به خشکی اضافه شد. پس از آرامش یافتن دریاها و همچنین خلیج فارس، زمان سکونت آغاز شد و خلیج فارس چون تنها راه به دریاهای آزاد هست برای کشتی‌رانی بسیار مناسب است. ما هر چه به سمت غرب حرکت می‌کنیم و به خوزستان نزدیک می‌شویم، آب به دلیل نزدیکی رودخانه‌ها شیرین‌تر می‌شود، زیرا رودخانه‌های اروندرود و رودهای شمال خلیج فارس از منطقه خوزستان به خلیج فارس می‌ریزند.

«صورة بحر فارس» از ابو اسحاق ابراهیم الفارسی استخری (قبل از ۳۱۸-۳۴۶ هـ ق) نقل از نسخه خطی کتابخانه دانشگاه لایدن



خلیج فارس هلالی شکل است و برخلاف دریای مازندران که شمالی جنوبی است، شرقی غربی است. تمامی سواحل خلیج فارس در بخش شمالی به کشور ایران تعلق دارد.

حال نام خلیج فارس از چه زمانی به این نام خوانده شد؟ اولین بار بطلمیوس نام خلیج فارس را استفاده کرده است. حتی استرابون نیز از نام خلیج فارس استفاده کرد. بطلمیوس در قرن دوم میلادی نام این دریا را «سینوس پرسیکوس» گذاشت. رومی‌ها نیز نام آن را دریای پارس گذاشتند و در کتاب‌ها و مستندات دیگر مورخان نیز همه جا از نام خلیج فارس یاد شده است. بحر فارس و دریای بوشهر و غیره هم از جمله دیگر نام‌های خلیج فارس است.

یکی از اسامی معتبر خلیج فارس در کتیبه داریوش درج شده است. این کتیبه در کانال سوئز واقع شده است. داریوش نخستین کسی بود که دستور حفر ترعه سوئز را داد تا دریای مدیترانه را به خلیج احمر یا خلیج سرخ وصل کند. در سوئز پنج کتیبه از داریوش پیدا شده است که در آن‌ها داریوش می‌گوید «من پارسی هستم و به همراه پارسیان مصر را گرفتم، امر کردم این کانال را حفر کنند.» ما با مطالعه تاریخ اسلام نیز به شواهد و مستندات متعددی درباره خلیج فارس برمی‌خوریم حتی دانشمندان بزرگ عرب نظیر طحطاوی، جرجی زیدان، محمد امین، عمر رضا، یعقوب سرکیس و غیره همگی نام خلیج فارس را با نام‌های خلیج المعجم و خلیج البارس نام برده‌اند. اروپایی‌ها نیز همین کار را کرده‌اند. سرپرسی سایکس انگلیسی نیز از نام خلیج فارس استفاده کرده البته این مطلب را نیز عنوان کرد که خلیج فارس باید همواره تحت اشغال انگلستان باشد. لرد کرزن نیز به نام خلیج فارس اذعان کرده است. با این حال در دهه‌های اخیر عده‌ای افراد سیاسی و نه علمی تلاش کرده‌اند بلکه نام خلیج فارس را تغییر دهند.

من در هواپیمایی امارات که مسافرت می‌کردم، دیدم که بر روی نقشه‌های موجود در هواپیما از نام خلیج استفاده شده است. این امر با اعتراض من به میهماندار هواپیما مواجه شد ولی وقتی در کشور عربی پیاده شدم متوجه شدم کادر پروازی با معطل کردن کار بازدید گذرنامه من قصد اذیت کردن من را دارند. این رفتار آن‌ها بسیار تأسف انگیز بود.

چارلز بلگریو که کارگزار دولت وقت انگلیس در بحرین بود، در کتاب «ساحل دزدان دریایی» مدعی شد که نام خلیج، خلیج فارس نیست بلکه نام دیگری دارد و آن هم دریای عرب است اما این ادعای بلگریو این قدر واهی بود که بعدها فراموش شد.

در سال ۱۹۹۴ هم که دایرةالمعارف انگلیسی در حال چاپ بود تلاش شد نام خلیج فارس را عوض کنند که با اعتراضات مواجه شد. این امر با گسترش اعتراض به دانشگاهیان و نیز دولت ایران منتفی شد.

موضوع سخنرانی من خلیج فارس است. بنابراین به این نکته نیز اشاره می‌کنم که شاعران زیادی در آثار خود به نام خلیج فارس اشاره کرده‌اند، چنان که در اشعار شعرای سبک هندی، سبک خراسانی به دفعات از نام خلیج فارس یاد شده است. هر چند که برخی شاعران نیز مدعی شده‌اند که ایرانیان از دریا می‌ترسیدند، در حالی که ما می‌بینیم دریانوردان ایرانی از بنادر خلیج فارس با شجاعت زیادی حتی تا سواحل آفریقا پیش می‌رفتند. البته دریانوردان اهل شهر سیراف از شهرت زیادی برخوردار بودند. نقل شده که از خواجه حافظ شیرازی دعوت شده بود که به هند سفر کند و در سیر سفر خود به میناب رفت. البته برای هزینه سفر حافظ پولی از هند برای او فرستاده بودند که حافظ نصف آن پول را در شیراز بخشید و بقیه را در پیش خود نگه داشت و نصف دیگر آن پول را نیز در میناب بخشید. البته حافظ از مسیر خود به یزد نیز رفت، هر چند که در نوشته‌های خود از پادشاه یزد گله کرده بود که او را مورد محبت قرار ندادند. بالأخره پس از آغاز سفر دریایی خود در خلیج فارس با طوفان مواجه می‌شود و به ناچار از ناخدای کشتی می‌خواهد او را در یکی از جزایر خلیج فارس پیاده کند و به این ترتیب حافظ به شیراز بازمی‌گردد و از سفر خود صرف‌نظر می‌کند. در هر حال در نوشته‌های خواجه حافظ شیرازی هم به دفعات از خلیج فارس نام برده است.

قدیمی‌ترین سندی که درباره خلیج فارس وجود دارد، کارنامه اردشیر بابکان است. اردشیر وقتی که تحت تعقیب لشکریان اردوان بود به خلیج فارس رسید و بسیار از خلیج فارس و زیبایی‌های آن یاد می‌کند و حتی دستور داد شهری در آنجا بسازند و حتی گفته شده که شهر اردشیر همان شهر بوشهر امروز است.

فردوسی، شاعر بزرگ کشورمان، بر اساس کارنامه اردشیر بابکان نیز به مناسبت‌های مختلف از خلیج فارس در اشعار خود یاد کرده است. در افسانه جمشید، پادشاهی که می‌گویند شش صد سال حکومت کرد، وی هر پنجاه سال یک خدمت را به مردم خود ارائه کرد که از جمله آن‌ها روش لباس پوشیدن، روش غذا خوردن و بالأخره در پنجاه سال آخر عمر خود دریانوردی را به مردم خود آموخت و در این‌جا است که باز از نام خلیج فارس یاد شده است.

ناصر خسرو قبادیانی هم که یک سفر چهارهزار کیلومتری از بلخ به مصر انجام داد و بالأخره چندین بار به

مکه رفت و حتی به شهرهای بصره و آبادان سفر کرد و از آبادان به کشتی نشست و به بندر مهریابان آمد، این بندر در کنار بندر دیلم امروز از بنادر خلیج فارس واقع شده است. ناصر خسرو قبادیانی سه ماه در بندر مهریابان ماند و سپس به بهبهان رفت. دریای محیط که ناصر خسرو اشاره می‌کند در واقع همان اقیانوس هند بود. روی هم رفته اقیانوس هند و دریای عمان را بحر محیط می‌گفتند. حتی مولانا هم درباره بحر محیط مطالبی را دارد از جمله این‌که «شخصی گفت که هر کسی درختی را که در هندوستان است از آن میوه‌ای بخورد، هیچ‌گاه نمی‌میرد و بالأخره یکی از بزرگان ایرانی فردی را مامور کرد تا به هندوستان برود و از میوه آن درخت برای او بیاورد. آن فرد پس از سفر به هندوستان و تلاش‌های زیاد، بالأخره به یک پیرمرد داناتی می‌رسد و از او سراغ آن درخت را می‌گیرد و آن پیرمرد در پاسخ می‌گوید آن درخت همان درخت علم است.»

سعدی علیه‌الرحمه هم درباره دریا و خلیج فارس، سخنان زیادی دارد. سعدی در سفرهای خود به کشورهای آباد آن زمان مانند لبنان، سوریه، عربستان، مراکش و شرق خراسان به زیبایی‌ها و ویژگی‌های خلیج فارس توجه کرده است. البته نباید ناگفته گذاشت که ادعای ضعیفی نیز وجود دارد مبنی بر این‌که اصلاً سعدی سفر نرفته است.

شاعران پارسی‌گوی به دریای عمان توجه بیش‌تری داشته‌اند، حتی سعدی هم چندین بار از دریای عمان نام برده است.

در پایان عرایض یاد آمد که سرانجام به سفر حافظ را اشاره نکردم، زیرا حافظ پس از بازگشت به شیراز غزلی برای پادشاه هند فرستاد و دلایل عدم انجام سفر خودش را به زیبایی تمام برای او توضیح داد.

